

مقایسه اولویت‌های ارزشی والدین و نوجوانان شهر تهران

دکتر اسماعیل بیابانگرد^۱

چکیده

ارزش‌ها، مبانی مهمی هستند که پایه بینش و کنش انسان را تشکیل می‌دهند. در جامعه ما با توجه به وقوع انقلاب اسلامی و تغییرات ارزشی پدید آمده در سال‌های جنگ، سازندگی و اصلاحات و همچنین گسترش رسانه‌های جمعی در سال‌های اخیر که موجب آشنایی بیشتر افراد جامعه، به ویژه نوجوانان با ارزش‌ها و هنجارهای جوامع دیگر شده است، بررسی، شناخت و مقایسه چگونگی اولویت‌های ارزشی نوجوانان با والدین آنها ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به این ضرورت، در این مطالعه پیمایشی، به منظور شناخت سلسله مراتب اولویت‌های ارزشی نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ ساله و والدین در شهر تهران، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای ۱۶۰۵ والد و نوجوان (۴۲۸ دختر، ۳۸۷ پسر، ۴۲۰ مادر و ۳۷۰ پدر) به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. پرسشنامه ارزش‌های آلپورت - ورنون از سوی پرسشگران آموزش دیده روی پاسخگویان اجرا شد. پس از جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آنها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی نتایج زیر به دست آمد:

- ۱ - سلسله مراتب اولویت‌های ارزشی در کل پاسخگویان به صورت اقتصادی، مذهبی، اجتماعی، سیاسی، هنری و نظری بوده است.
- ۲ - سلسله مراتب اولویت‌های ارزشی نوجوانان پسر به صورت اقتصادی، اجتماعی، مذهبی، سیاسی، هنری و نظری بوده است.

- ۳ - سلسله مراتب اولویت‌های ارزشی نوجوانان دختر به صورت اقتصادی، مذهبی، هنری، اجتماعی، سیاسی و نظری بوده است.
- ۴ - سلسله مراتب اولویت‌های ارزشی پدران به صورت اقتصادی، سیاسی، مذهبی، اجتماعی، هنری و نظری بوده است.
- ۵ - سلسله مراتب اولویت‌های ارزشی مادران به صورت مذهبی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، هنری و نظری بوده است.
- ۶ - بین ارزش‌های اقتصادی و مذهبی پاسخگویان رابطه منفی وجود داشته است.

کلید واژه‌ها: ارزش‌ها، اولویت ارزش‌ها، والدین و نوجوانان

مقدمه

ارزش، پدیده‌ای اجتماعی است که از زمان تشکیل اجتماعات اولیه تاکنون در زندگی انسان نقش مهمی داشته است. ماکس وبر می‌گوید: زندگی بشر از مجموعه‌ای انتخاب‌ها تشکیل شده است که افراد از طریق آنها نظامی از ارزش‌ها را برپا می‌کنند. ذات ارزش عبارت است از انتخاب و تصدیق آزادانه (شوارتز^۱ و همکاران، ۲۰۰۴).

ارزش‌ها از یک سوراخ‌نما و تعیین‌کننده‌گرایش‌های اجتماعی و از سوی دیگر تعیین‌کننده رفتار و کنش اجتماعی هستند که در آداب و رسوم، قوانین، و اصول مقدس و شیوه‌های زندگی روزمره تجلی می‌یابند (مارکوز^۲، ۲۰۰۳).

ارزش‌ها به لحاظ اهمیتی که دارند، یکسان نیستند و در یک مجموعه جای دارند که «نظام ارزشی» نامیده می‌شود. نظام ارزشی، سازمان‌پذیری از عقاید است که با شیوه‌های قابل ترجیحی از کنش‌ها یا حالت‌های غایی وجود ارتباط دارند و در پیوستاری که بر اساس اهمیت نسبی مرتب شده‌اند، قرار می‌گیرند (فیدر^۳، ۲۰۰۳).

اولویت‌هایی که افراد به ارزش‌ها می‌دهند، یکسان نیست. این اولویت‌ها بیانگر خلق و خو، شخصیت، تجربه‌های جامعه‌پذیری، تجربه‌های منحصر به فرد زندگی، فرهنگ پیرامون و مانند آن است (کوهن^۴، ۲۰۰۲).

1. Shwartz, S.
4. Kohn, M.

2. Markus, H.

3. Feader, N.

اگر بخواهیم به ناهماهنگی و مطابقت نداشتن ارزش‌های نوجوانان و والدین از منظر روان‌شناختی بنگریم، باید بگوییم که به لحاظ روان‌شناسی ژنتیک، در تحول روانی آدمی دوره مهمی وجود دارد که بین دوران کودکی و دوران بزرگسالی قرار می‌گیرد. این دوره، نوجوانی نامیده می‌شود و معرف مرحله تغییر عمیقی است که کودک را از بزرگسال متمایز می‌کند. موضوع ناهماهنگی بین ارزش‌های والدین و نوجوانان مورد توجه سیگلمن^۱ و همکاران او نیز قرار گرفته است. نوجوانان همواره میلند با دوستان خود تعامل داشته باشند و زمانی از والدین خود ناراحت می‌شوند که آنان را در زمینه برقراری ارتباط با گروه همسالان محدود کنند. عده‌ای معتقدند در دوره نوجوانی شکاف بزرگی بین ارزش‌های نوجوان و والدین او به وجود می‌آید و ارتباطات زیبای والد - کودک، به دلیل این تعارضات تلخ تخریب می‌شود (سیگلمن و شفر^۲، ۱۹۹۱).

در برخی موارد، تأثیر گروه همسالان بر نوجوانان بسیار بالاست. برخی از این موارد عبارتند از: لباس پوشیدن، فعالیت‌های اجتماعی مورد پسند و سلیقه‌ها؛ که در این زمینه والدین و نوجوانان همیشه با هم موافق نیستند، اما این نکته شایان ذکر است که این اختلاف‌ها در مقایسه با توافق‌های بنیادی که بین نوجوان و والدینش وجود دارد، فوق‌العاده ناچیز است (بیابانگرد، ۱۳۸۳).

افرادی که نوجوانی را به عنوان تعارض بین والد - کودک می‌شناسند، فرض می‌کنند که این مشکل باعث شکاف دو نسل می‌شود. یعنی بین ارزش‌ها و نگرش‌های دو نسل مختلف اختلاف به وجود می‌آید. پاسخ به این پرسش که آیا شکاف نسل وجود دارد یا خیر؟ مثبت است. اما این شکاف خیلی بزرگ نیست (احمدی، ۱۳۷۱).

به نظر می‌رسد فاصله فرهنگی و به تبع آن تفاوت‌های ارزشی بین والدین و نوجوانان پدیده‌ای تازه نباشد، بلکه قدمت آن را می‌توان به زمان افلاطون نسبت داد. افلاطون در پنج رساله خود اذعان می‌دارد:

«حقیقت این است که بین ما و پدرانمان اختلاف زیادی هست و از این بابت شرمساریم. اما پدرانمان را سرزنش می‌کنیم که وقتی ما جوان بودیم در تربیت ما کاهلی کردند و بیشتر به امور دیگران پرداختند تا به تربیت فرزندانمان.» (افلاطون^۳، ۱۳۶۲، ص ۲۳).

1. Sigelman, C.

2. Shaffer, D.R.

3. Plato, A.

در جای دیگر، او بالا رفتن سن را یکی از عوامل مؤثر در بیگانگی با جوانان می‌داند. اما این بیگانگی و فاصله فرهنگی بین پدر و پسر با تغییر در کارکردهای خانواده و به وجود آمدن نهادهای جدیدی که در جریان اجتماعی شدن مؤثر بودند، رو به تزاید گذاشت. خانواده در گذشته کارکردهای مختلفی چون اجتماعی کردن فرزندان، انتقال حرفه و فنون، و کارکردهای معیشتی و حمایتی را بر عهده داشت. کودک ضمن آموختن نگرش‌ها، عقاید و ارزش‌های غالب در نظام اجتماعی، خود را با جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کرد، هماهنگ می‌ساخت. وجود وجدان جمعی واحد و سیطره آن بر زندگی اجتماعی، تمام روابط اجتماعی را به طور معین و مشخص، فراروی اعضای جامعه قرار می‌داد و از این رهگذر عدول از هنجارها و ارزش‌های غالب به منزله نوعی تخطی قلمداد می‌شد و متعاقب آن جریمه به دنبال داشت (جوهری، ۱۳۷۱).

به همین شکل با بروز تحولات مهم اجتماعی مانند شهرنشینی، صنعت‌گستری، و از همه مهمتر به وجود آمدن عقلانیت به تدریج از سیطره وجدان جمعی کاسته شد و خانواده نیز تحت تأثیر پدیده‌های اجتماعی جدید، به تدریج از شکل و هیأت قبلی خود خارج گردید. بر این اساس در کارکردهای خانواده تغییراتی به وجود آمد که این تغییرات به صورت ناهماهنگ با تغییرات ساختی صورت گرفت. روابط بین خانوادگی مانند رابطه پدر و پسر تحت تأثیر شرایط اجتماعی تغییر یافت و در آن دگرگونی‌هایی به وجود آمد. این امر تا آنجا ادامه یافت که به عنوان یک پدیده و مسئله مهم اجتماعی نظر پژوهشگران را به خود جلب کرد؛ زیرا از منظر آسیب‌پذیری خانواده، وجود شکاف بین روابط اولیا و فرزندان یکی از خطرناکی است که استحکام خانواده را تهدید می‌کند. باید به این نکته مهم اشاره کنیم که نقطه اوج در ایجاد تغییرات و انقلابات اجتماعی اروپا، انقلاب صنعتی است، زیرا در مرحله پس از این انقلاب تغییرات شدیدی ایجاد می‌شود. براساس نظر لانسکی^۱ (۱۹۷۸) ویژگی‌های این دوره افزونی جمعیت، پیشرفت علوم و فناوری و صنعت، رشد شهرنشینی، بالا رفتن سطح زندگی، سازماندهی امور، نوآوری، ظهور جهان‌بینی و آرمان‌های جدید، رواج اقتصاد بازاری، تخصص‌گرایی، ظهور حکومت‌های دمکراتیک، بسط مشارکت مردم در امور سیاسی، تقسیم کار پیشرفته، اشتغال زنان، افزایش مهاجرت، گسترش ارتباطات و... است. در این جامعه انسان استقلال فردی را مهم می‌شمارد و برنامه‌ریزی برای تنظیم و توجه به آینده و سرنوشت را وجهه همت خویش قرار می‌دهد (ساترلند، ۱۹۸۸).

1. Lensky, G.

در جامعه ما نیز بعد از ورود پدیده‌های اجتماعی جدید و تحول جامعه از شکل سنتی گذشته و ورود به مرحله گذار برای رسیدن به مرحله صنعتی، نوعی دوگانگی در ابعاد مختلف اجتماعی رخ نمود که این امر در شکل‌گیری نظام ارزشی افراد به ویژه نوجوانان بی‌تأثیر نیست (گیلک، ۱۳۷۳).
ناهمخوانی ارزش‌ها نه تنها در مراحل گوناگون رشد، بلکه در یک مرحله از رشد و در نوجوانان متعلق به گروه‌های اقتصادی-اجتماعی مختلف نیز مورد توجه محققان بوده است و در پژوهشی که به منظور بررسی سلسله مراتب ارزش‌های نوجوانان دختر و پسر شهر تهران صورت گرفت، نتایج زیر به دست آمد:

- ۱- بین ارزش‌های نوجوانان در طبقات مختلف اقتصادی-اجتماعی تفاوت معنادار وجود دارد.
- ۲- بین ارزش‌های نوجوانان دختر و پسر هر طبقه اجتماعی تفاوت معنادار وجود دارد.
- ۳- بین ارزش‌های نوجوانان دختر در طبقات مختلف اقتصادی-اجتماعی تفاوت معنادار وجود دارد.
- ۴- بین ارزش‌های نوجوانان پسر در طبقات اقتصادی-اجتماعی تفاوت معنادار وجود دارد. (شمسیان، ۱۳۷۱).

نتایج به دست آمده فوق و یافته‌های مشابه در پژوهش‌های دیگر (همایونفر، ۱۳۷۳؛ آلپورت^۱ و ورنون، ۱۹۳۱؛ گنجی، ۱۳۷۰؛ گیريجا^۲، ۱۹۸۶؛ حاج و دیگران، ۱۹۸۵)، حاکی از این حقیقت است که ناهمگونی ارزش‌ها و خاستگاه‌های نوجوانان و بزرگسالان تک عاملی نیست و تنها نمی‌توان آن را به عامل وراثت نسبت داد، بلکه عوامل متعددی در دامن زدن به تنوع در اولویت‌های ارزشی آنان نقش دارند. به لحاظ نظری و پژوهشی عوامل محیطی چندی در تغییر ارزش‌ها مؤثر شناخته شده‌اند، از جمله:

- ۱- پاداش اجتماعی
- ۲- تجارب فردی
- ۳- احساس نارضایتی
- ۴- گروه مرجع
- ۵- شرایط محیطی و ایجاد ناهمگونی با ارزش

۶- وسایل ارتباط جمعی

۷- تضاد ارزش‌ها

اهمیت ارزش‌ها در دوران نوجوانی به حدی است که بورژاد^۱ این دوران را دوره رغبت‌های ذهنی به ارزش‌ها نامیده است. در دوره نوجوانی، ارزش‌ها متحول می‌شوند و مفاهیم آنها مورد تردید و سؤال قرار می‌گیرند. اسپرانگر^۲، نوجوانی را دوره انتقال تصور می‌کند که در طول آن، سلسله مراتب ارزش‌ها به وجود می‌آیند. به نظر او، در این دوره ارزش‌های اساسی زندگی به ترتیب اهمیت به صورتی قطعی‌تر و پایدارتر شکل می‌گیرند و ارزش‌های حاکم بر فرد تعیین‌کننده نوع شخصیت او به شمار می‌روند (پترسون^۳، ۱۹۷۶).

از این رو دوره نوجوانی به مثابه دوره حساس زندگی مملو از تغییرات و تحولات بدنی و روانی-اجتماعی است. در این مقطع از فرایند رشد، ارزش‌های اساسی زندگی به ترتیب اهمیت به صورت نسبتاً قطعی‌تر و پایدارتر شکل می‌گیرند و ارزش‌های حاکم بر فرد تعیین‌کننده نوع شخصیت و رفتار او به شمار می‌آید. نوجوانان در جریان جامعه‌پذیری، مفاهیم ارزش را از خانواده، جامعه، وسایل ارتباط جمعی و مطالعات فردی دریافت می‌کنند. اما دقیقاً همانند نهادها و منابعی که ارزش‌ها را از آنها دریافت کرده‌اند، آنها را اولویت‌بندی نمی‌کنند، بلکه ساختار ارزشی نوجوانان با ساختار ارزشی بزرگسالان متفاوت است. از آنجا که رفتارهای انسان تحت تأثیر نگرش‌های اوست، طبیعتاً اگر اولویت‌های ارزشی افراد با یکدیگر متفاوت باشد، ناهماهنگی در کنش‌های مختلف اجتماعی و تعارض در گروه نوجوانان تأثیر بیشتری خواهد داشت و ضمن بازداشتن آنها از درونی ساختن ارزش‌ها، آنها را در تقابل فرزاینده با بزرگسالان و نهادهای اجتماعی قرار خواهد داد.

تفکر و تعمق در آنچه بیان شد، نشان می‌دهد که از یک سو با توجه به تفاوت سنی بین والدین و فرزندان نوجوان آنها، و تفاوت در تجربیات و شرایط تاریخی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مذهبی که این دو نسل داشته‌اند، وجود اختلاف و تفاوت در آنها از نظر ارزش‌های مختلف، اجتناب‌پذیر است. از سوی دیگر، با توجه به نقشی که والدین در شکل‌گیری و تقویت ارزش‌های فرزندان خود دارند و به ویژه تا سنین نوجوانی مهمترین و اثرگذارترین گه‌های آنها محسوب می‌شوند، وجود تفاوت و اختلاف بسیار زیاد در ارزش‌های آنها و فرزندانشان حاکی از

1. Bourgade, E.

2. Spranger, E.

3. Peterson, G.

سوء کارکرد در این زمینه است که باید مورد بررسی و آسیب‌شناسی قرار گیرد. به این ترتیب مسئله مقاله حاضر این است که آیا اولویت‌های ارزشی این دو گروه با یکدیگر متفاوت است؟

سؤال‌های پژوهش

- ۱- آیا اولویت‌بندی ارزش‌ها نزد نوجوانان و والدین متفاوت است؟
- ۲- آیا اولویت‌بندی ارزش‌ها نزد نوجوانان و والدین به لحاظ جنسیت متفاوت است؟
- ۳- آیا اولویت‌بندی ارزش‌ها نزد نوجوانان پسر و دختر متفاوت است؟

تعریف مفاهیم

واژه ارزش در زبان فارسی اسم مصدر «ارزیدن» و دارای این معانی است: قدر، مرتبه، استحقاق، لیاقت، شایستگی، زیندگی، برازندگی و قابلیت (نیک خلق و وثوقی، ۱۳۷۴). براساس تعریف دایرةالمعارف علوم اجتماعی، ارزش ممکن است بر علایق، مطلوبیت‌ها، خواسته‌ها، تمایلات، رجحان‌ها، وظایف، تعهدات اخلاقی، نیازها، جاذبه‌ها و سایر خصوصیات دلالت کند (سیلز^۱، ۱۹۹۲). شوارتز (۲۰۰۴) ارزش‌های بشری را عبارت از اهداف فراموقعی می‌داند که به عنوان اصول راهنما در زندگی فرد یا گروه به کار می‌روند و از نظر اهمیت تفاوت دارند. به نظر وی، معنای یک ارزش در الگوی تجربی پیوسته با سایر ارزش‌ها و از جایگاه آن ارزش در ساختار روابط میان تمامی ارزش‌ها مشخص می‌شود. مجموعه‌ای که این ارزش‌ها در آن شکل گرفته‌اند و بر اساس اهمیت‌شان در زندگی فرد به عنوان هدف‌ها و اصول قطعی راهنمای زندگی آنان تلقی می‌شوند، نظام ارزشی نام دارد. بنابراین، نظام ارزشی یا اولویت‌های ارزشی، سازمانی از ارزش‌ها و باورهای ترجیحی ابزاری یا غایی است که بر اساس اهمیت نسبی رتبه‌بندی شده‌اند.

آلپورت ارزش‌ها را با علاقه مسلط یکی می‌داند و شخصیت را آن چیزی می‌داند که براساس علایق و گرایش‌ها مشخص می‌شود. به این اعتبار، نظریه آلپورت را تیپ‌های ارزشی شخصیتی نامیده‌اند. یکی از آثار آلپورت کتاب مطالعه ارزش‌ها^۲ است و او در این کتاب آزمونی را با همین عنوان برای بررسی تیپ‌های ارزشی - شخصیتی افراد معرفی کرده است. آلپورت هدف این آزمون را سنجش تسلط نسبی یکی از ارزش‌ها یا انگیزش اساسی در فرد ذکر می‌کند. این ارزش‌ها عبارتند از: ارزش‌های نظری، اقتصادی، زیبایی‌شناسی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی.

1. Sills, D.

2. Study of Values

تعریف نظری مفاهیم اصلی پژوهش:

ردیف	مفهوم	تعریف نظری
۱	ارزش	مفهوم ارزش بر علایق، رجحان‌ها، وظایف، تعهدات اخلاقی، خواسته‌ها، آرزوها، نیازها، دوست داشتنی‌ها، نفرت‌ها، جاذبه‌ها و بسیاری دیگر از کیفیت‌های رفتار گزینشی دلالت دارد (توماکس ^۱ ، ۱۳۵۴).
۲	اولویت‌بندی ارزش‌ها	منظور اولویت‌بندی ارزش‌ها ترتیب اهمیت هر یک از ارزش‌های نظری، اقتصادی، زیبایی‌شناسی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی پاسخگویان است.
	ارزش‌های نظری	عبارت است از تمایل به حقیقت‌جویی و کسب دانش و کشف همانندی‌ها و تفاوت‌ها در پدیده‌ها و ترجیح مشاهده و استدلال در امور به جای عنایت به جنبه‌های زیبایی و یا فواید عملی آنها (آپورت، ورنون، لیندزی، ۱۹۶۳).
۳	ارزش‌های اقتصادی	عبارت است از: ترجیح جنبه‌های عملی و سودآور فعالیت‌ها و تأمین نیازهای جسمانی (همان منبع).
۴	ارزش‌های زیبایی‌شناسی	عبارت است از تمایل به تجربه همسانی به جای تنوع در پدیده‌ها و جستجوی ظرافت، تقارن و تناسب در رویدادها و لذت بردن از جلوه‌های هستی به خاطر خود آنها (همان منبع).
۵	ارزش‌های اجتماعی	عبارت است از علاقه‌مندی و عشق ورزیدن به انسان‌ها، و متعهد بودن به مهربانی، صمیمیت و گذشت در ارتباط با دیگران (همان منبع).
۶	ارزش‌های سیاسی	عبارت است از تمایل به کسب قدرت و تسلط و رهبری نسبت به دیگران و هدایت فعالیت‌های اجتماعی، شغلی، سیاسی (همان منبع).
۷	ارزش‌های مذهبی	عبارت است از تمایل به ادراک هستی به صورت کل، ارتباط دادن خود به کلیت فراگیر هستی و وحدت‌جویی در پدیده‌ها (همان منبع).

در این پژوهش منظور از ارزش‌های نظری، اقتصادی، زیبایی‌شناسی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی میزان نمره‌ای است که فرد در آزمون آپورت - ورنون کسب می‌کند.

1. Tomax, M.

روش پژوهش

این پژوهش با روش پیمایشی^۱ یا زمینه‌یابی صورت گرفته است. پژوهش پیمایشی عبارت است از مشاهده پدیده‌ها به منظور معنادادن به جنبه‌های مختلف اطلاعات جمع‌آوری شده. این پژوهش از دو مرحله تشکیل شده است:

- (۱) مشاهده دقیق و نزدیک شاخص‌های (پارامترهای) مورد پژوهش در جامعه،
- (۲) جمع‌آوری و معنادادن به آنچه که مورد مشاهده قرار گرفته است (دلاور، ۱۳۸۰، ص ۱۳۸).

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش را تمام نوجوانان دختر و پسر تهرانی ۱۳ تا ۱۸ ساله و پدران و مادران آنها تشکیل می‌دهد.

نمونه آماری

برای انتخاب نمونه مناسب از جامعه آماری فوق، بر اساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای^۲ عمل شد. به طوری که در مرحله نخست از بین بلوک‌های ساختمانی تعدادی بلوک انتخاب و به بلوک‌های مجازی ۵۰ خانواری تبدیل، سپس در مرحله دوم با استفاده از متغیر اصلی طرح، تعداد و شماره پلاک خانوارهای نمونه در هر یک از بلوک‌های مشخص شدند. در مرحله سوم در هر یک از خانوارهای انتخاب شده، پرسشگر با اولین فرد مذکر یا مونث ۱۳ سال به بالا که روبه‌رو شده، مصاحبه کرده است.

روش تعیین حجم نمونه

برآورد تعداد پرسشنامه‌ای که می‌بایست به وسیله مصاحبه‌گر تکمیل شود، با ۲ درصد افراد ۱۳ تا ۱۸ ساله ساکن در ۳۲۱ بلوک نمونه سطح تهران بزرگ برابر است. بنابراین، با توجه به نتایج به دست آمده از اجرای طرح نمونه‌گیری در سال ۱۳۸۲ که میانگین افراد ۱۳ ساله و بیشتر را در خانوار نمونه، ۲/۴۱ برآورد می‌کند، می‌توان گفت:

$$۷۷۸ = ۱۶۱۴۰ \times ۰/۰۲ \times ۲/۴۱ = \text{تعداد پرسشنامه}$$

با توجه به نکات فوق، در این پژوهش از ۸۱۵ نفر نوجوان ۱۳ تا ۱۸ ساله (۴۲۸ نفر دختر و ۳۸۷ نفر پسر) و نیز ۷۹۰ والد (۴۲۰ مادر و ۳۷۰ پدر) یعنی در مجموع ۱۶۰۵ نفر به عنوان نمونه پژوهش استفاده شد. در نوجوانان دختر از مادرانشان و در نوجوانان پسر از پدرانشان به عنوان نمونه تحقیق استفاده شد.

توصیف افراد نمونه

در جدول شماره ۱ فراوانی و درصد هر یک از گروه‌های نمونه پژوهش آمده است.

جدول ۱ - فراوانی و درصد هر یک از گروه‌های نمونه پژوهش

گروه‌ها	فراوانی	درصد
نوجوان پسر	۳۸۷	۲۴/۳
نوجوان دختر	۴۲۸	۲۶/۷
پدران	۳۷۰	۲۳
مادران	۴۲۰	۲۶
جمع	۱۶۰۵	۱۰۰

نحوه اجرای آزمون ارزش‌های آلپورت - ورنون

در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های لازم از پرسشنامه ارزش‌های آلپورت - ورنون استفاده شده است. این پرسشنامه از دو قسمت تشکیل می‌شود که قسمت اول آن متشکل از ۳۰ سؤال یا اظهار نظر است که در مقابل هر یک از سؤالات یا اظهار نظرها دو گزینه وجود دارد و قسمت دوم شامل ۱۵ سؤال است که در برابر هر یک از سؤالات چهار پاسخ وجود دارد که روش نمره‌گذاری از سوی دانش‌آموز و اولیای وی در این پرسشنامه به شرح زیر است.

الف - قسمت اول پرسشنامه

همان‌طور که در بالا ذکر شد، در این قسمت ۳۰ سؤال یا اظهار نظر وجود دارد که در مقابل هر یک از آنها دو گزینه (الف و ب) قرار داده شده است که پاسخگو می‌تواند با استفاده از نمرات ۳ - ۰ به یکی از اشکال زیر به آنها پاسخ دهد:

۱ - اگر با گزینه الف کاملاً موافق و با گزینه ب کاملاً مخالف باشد، به الف (۳) و به ب (۰)

می‌دهد.

۲- اگر باگزیننه ب کاملاً موافق و باگزیننه الف مخالف باشد، به گزیننه ب (۳) و به گزیننه الف (۰)

می دهد.

۳- اگر گزیننه الف را بر گزیننه ب ترجیح می دهد، اما در عین حال باب نیز کاملاً مخالف نیست،

به گزیننه الف (۲) و به گزیننه ب (۱) می دهد.

۴- اگر گزیننه ب را بر گزیننه الف ترجیح دهد، به ب (۲) و به الف (۱) می دهد.

۵- اگر هر دو به یک اندازه برای پاسخگو اهمیت داشته باشند، به هر دو گزیننه الف و ب (۱/۵)

داده می شود.

ب- قسمت دوم پرسشنامه

این قسمت از ۱۵ سؤال تشکیل شده که هر سؤال دارای چهار جواب یا اظهار نظر است، پاسخگو باید با استفاده از نمرات ۴ تا ۱ گزیننه‌ها را انتخاب کند. بدین شکل که به گزیننه‌ای که از همه بیشتر ارزش می‌گذارد، نمره ۴ بدهد و به همین ترتیب، تا گزیننه‌ای که از بین آن چهار گزیننه کمترین ارزش را برای او دارد، نمره ۱ بدهد.

روایی صوری^۱ پرسشنامه به تأیید متخصصان روان‌شناسی و جامعه‌شناسی رسیده و به علاوه، روایی آن بیشتر با روش مقایسه گروه‌های شناخته شده بررسی شده است. در نیمرخ‌های گروه‌های تحصیلی و شغلی مختلف، تفاوت‌های معناداری در جهت مورد انتظار مشاهده می‌شود؛ به طور مثال دانشجویان پزشکی در حوزه نظری و دانشجویان الهیات در حوزه مذهبی بالاترین نمره را داشتند. روابطی نیز بین نیمرخ ارزش‌ها و پیشرفت تحصیلی به دست آمده است. ضریب پایایی^۲ شش مقوله ارزشی با روش تنصیف، بین ۰/۴۸ تا ۰/۹۵ و با روش بازآزمایی به فاصله دو ماه بین ۰/۷۷ و ۰/۹۳ است. در گزارش دیگری ضریب پایایی پرسشنامه با استفاده از بازآزمایی با فاصله زمانی دو ماه بیش از ۰/۸۰ گزارش شده است. ملکی (۱۳۷۵) نیز طی مطالعه پژوهشی خود به روش دو نیمه کردن عمل نموده و ضرایب پایایی پرسشنامه را به تفکیک چنین گزارش کرده است: نگرش‌های ارزش نظری ۰/۸۴، مذهبی ۰/۸۳، زیبایی‌شناسی ۰/۸۰، اقتصادی ۰/۷۶، اجتماعی ۰/۷۳، و سیاسی ۰/۷۰.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

جدول ۲: میانگین و انحراف استاندارد ارزش‌های پدران، مادران، پسران و دختران

تعداد	هنری		نظری		سیاسی		اجتماعی		مذهبی		اقتصادی		نوع ارزش جنس
	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
۳۷۰	۳/۱	۳۱/۳	۳/۶	۳۳/۴	۵/۳	۴۳/۹	۳/۷	۳۷/۶	۴/۷	۴۰/۶	۵/۸	۵۴/۶	پدر
۴۲۰	۳/۳	۳۵/۶	۳/۴	۲۹/۳	۳/۸	۳۶/۸	۴/۷	۴۴/۷	۵/۱	۴۷/۱	۴/۲	۴۲/۷	مادر
۳۸۷	۳/۹	۳۳/۴	۳/۶	۳۰/۲	۴/۱	۳۸/۷	۴/۷	۴۵/۸	۴/۳	۴۰/۵	۴/۵	۵۸/۹	پسر
۴۲۸	۳/۹	۴۰/۵	۳/۴	۳۱/۴	۳/۵	۳۳/۶	۳/۹	۳۶/۷	۴/۱	۴۶/۳	۴/۶	۵۱/۳	دختر
۱۶۰۵	۳/۵۵	۳۵/۳	۳/۴۵	۳۱	۴/۱۷	۳۸/۲	۴/۳۵	۴/۱۲	۴/۵۵	۴۳/۶	۵	۵۱/۸	میانگین کل

همان‌طور که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد:

- ۱ - سلسله مراتب اولویت‌های ارزشی پدران به صورت اقتصادی، سیاسی، مذهبی، اجتماعی، نظری و هنری بوده است.
- ۲ - سلسله مراتب اولویت‌های ارزشی مادران به صورت مذهبی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، هنری و نظری بوده است.
- ۳ - سلسله مراتب اولویت‌های ارزشی پسران به صورت اقتصادی، اجتماعی، مذهبی، سیاسی، هنری و نظری بوده است.
- ۴ - سلسله مراتب اولویت‌های ارزشی دختران به صورت اقتصادی، مذهبی، هنری، اجتماعی، سیاسی، و نظری بوده است.

جدول ۳- ماتریس همبستگی بین ارزش‌ها

نوع ارزش	ضریب همبستگی و سطح معناداری	اقتصادی	مذهبی	اجتماعی	سیاسی	هنری	نظری
اقتصادی	r	۱					
	p	۰					
مذهبی	r	-۰/۵۶	۱				
	p	* ۰/۰۰۰	۰				
اجتماعی	r	۰/۴۷	۰/۳۷	۱			
	p	* ۰/۰۰۰	* ۰/۰۰۰	۰			
سیاسی	r	۰/۵۲	۰/۲۳	۰/۳۷	۱		
	p	* ۰/۰۰۰	* ۰/۰۰۰	* ۰/۰۰۰	۰		
هنری	r	۰/۵۵	۰/۱۲	۰/۳۹	۰/۴۱	۱	
	p	* ۰/۰۰	* ۰/۴۰	* ۰/۰۰	* ۰/۰۰	۰	
نظری	r	۰/۴۴	۰/۴۹	۰/۱۸	۰/۲۲	۰/۳۸	۱
	p	* ۰/۰۰	* ۰/۰۰	* ۰/۵۰	۰/۰۶	* ۰/۰۰	۰

* $p < 0.01$

همان‌طور که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد:

۱- بین ارزش‌های اقتصادی و مذهبی رابطه منفی ($r = -0.56$) وجود دارد. یعنی با افزایش ارزش‌های اقتصادی پاسخگویان، ارزش‌های مذهبی آنها به طور معناداری کاهش یافته است.

۲- بین ارزش‌های اقتصادی و اجتماعی رابطه مثبت ($r = 0.47$) وجود دارد. یعنی با افزایش ارزش‌های اقتصادی پاسخگویان، ارزش‌های اجتماعی آنها به طور معناداری افزایش یافته است.

۳- بین ارزش‌های اجتماعی و مذهبی رابطه مثبت ($r = 0.37$) وجود دارد. یعنی با افزایش ارزش‌های اجتماعی پاسخگویان، ارزش‌های مذهبی آنان افزایش یافته است، ولی این رابطه از نظر آماری معنادار نیست.

۴- بین ارزش‌های اقتصادی و سیاسی رابطه مثبت ($r = 0.52$) وجود دارد. یعنی با افزایش ارزش‌های اقتصادی پاسخگویان، ارزش‌های سیاسی آنها نیز به طور معناداری افزایش یافته است.

۵- بین ارزش‌های مذهبی و سیاسی رابطه مثبت ($r = 0/23$) وجود دارد. یعنی با افزایش ارزش‌های مذهبی پاسخگویان، ارزش‌های سیاسی آنها نیز افزایش یافته است، ولی این رابطه از نظر آماری معنادار نیست.

۶- بین ارزش‌های سیاسی و اجتماعی رابطه مثبت ($r = 0/37$) وجود دارد. یعنی با افزایش ارزش‌های سیاسی پاسخگویان، ارزش‌های اجتماعی آنها نیز به طور معناداری افزایش یافته است.

۷- بین ارزش‌های اقتصادی و هنری رابطه مثبت ($r = 0/55$) وجود دارد. یعنی با افزایش ارزش‌های اقتصادی پاسخگویان، ارزش‌های هنری آنها نیز به طور معناداری افزایش یافته است.

۸- بین ارزش‌های مذهبی و هنری رابطه مثبت ($r = 0/12$) وجود دارد. یعنی با افزایش ارزش‌های مذهبی پاسخگویان ارزش‌های هنری آنها نیز افزایش یافته است، ولی این افزایش از نظر آماری معنادار نیست.

۹- بین ارزش‌های اجتماعی و هنری رابطه مثبت ($r = 0/39$) وجود دارد. یعنی با افزایش ارزش‌های اجتماعی، ارزش‌های هنری پاسخگویان نیز به طور معناداری افزایش یافته است.

۱۰- بین ارزش‌های سیاسی و هنری رابطه مثبت ($r = 0/41$) وجود دارد. یعنی با افزایش ارزش‌های سیاسی، ارزش‌های هنری پاسخگویان نیز به طور معناداری افزایش یافته است.

۱۱- بین ارزش‌های اقتصادی و نظری رابطه مثبت ($r = 0/44$) وجود دارد. یعنی با افزایش ارزش‌های اقتصادی، ارزش‌های نظری پاسخگویان نیز به طور معناداری افزایش یافته است.

۱۲- بین ارزش‌های مذهبی و نظری رابطه مثبت ($r = 0/49$) وجود دارد. یعنی با افزایش ارزش‌های مذهبی، ارزش‌های نظری پاسخگویان نیز به طور معناداری افزایش یافته است.

۱۳- بین ارزش‌های اجتماعی و نظری رابطه مثبت ($r = 0/18$) وجود دارد. یعنی با افزایش ارزش‌های اجتماعی، ارزش‌های نظری پاسخگویان نیز افزایش یافته است، ولی این افزایش از نظر آماری معنادار نیست.

۱۴- بین ارزش‌های سیاسی و نظری رابطه مثبت ($r = 0/22$) وجود دارد. یعنی با افزایش ارزش‌های سیاسی، ارزش‌های نظری پاسخگویان نیز افزایش یافته است، ولی این افزایش از نظر آماری معنی دار نیست.

۱۵- بین ارزش‌های نظری و هنری رابطه مثبت ($r = 0/38$) وجود دارد. یعنی با افزایش ارزش‌های نظری، ارزش‌های هنری پاسخگویان نیز به طور معناداری افزایش یافته است.

جدول ۴- مقایسه میانگین نمرات ارزش‌های دختران و پسران

جنس	نوع ارزش	اقتصادی	مذهبی	اجتماعی	سیاسی	نظری	هنری
پسران		۵۸/۹	۴۰/۵	۴۵/۸	۳۸/۷	۳۰/۳	۳۳/۴
دختران		۵۱/۳	۴۶/۳	۳۶/۷	۳۳/۶	۳۱/۴	۴۰/۵
میانگین کل		۵۵/۱	۴۳/۴	۴۱/۳۵	۳۶/۱۵	۳۰/۱۸	۳۶/۹۵

همان‌طور که جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، نتایج آزمون t مشخص کرد:

- ۱- بین میانگین ارزش‌های اقتصادی^۱ پسران و دختران تفاوت معنادار وجود دارد. به طوری که میزان ارزش‌های اقتصادی پسران به طور معناداری بیشتر از دختران بوده است.
- ۲- بین میانگین ارزش‌های مذهبی^۲ پسران و دختران تفاوت معنادار وجود دارد. به گونه‌ای که میزان ارزش‌های مذهبی دختران به طور معناداری بیشتر از پسران بوده است.
- ۳- بین میانگین ارزش‌های اجتماعی دختران و پسران تفاوت معناداری مشاهده نشد.
- ۴- بین میانگین ارزش‌های سیاسی^۳ دختران و پسران تفاوت معنادار وجود دارد. به این ترتیب که میزان ارزش‌های سیاسی پسران به طور معناداری بیشتر از دختران بوده است.
- ۵- بین میانگین ارزش‌های نظری^۴ پسران و دختران تفاوت معنادار وجود دارد. به طوری که میزان ارزش‌های نظری دختران به طور معناداری بیشتر از پسران بوده است.
- ۶- بین ارزش‌های هنری^۵ پسران و دختران تفاوت معنادار وجود دارد. به این معنا که میزان ارزش‌های هنری دختران به طور معناداری بیشتر از پسران بوده است.

جدول شماره ۵: مقایسه میانگین نمرات ارزش‌های پدران و مادران گروه نمونه

والدین	نوع ارزش	اقتصادی	مذهبی	اجتماعی	سیاسی	نظری	هنری
پدران		۵۴/۶	۴۰/۶	۳۷/۶	۴۳/۹	۳۳/۴	۳۱/۳
مادران		۴۲/۷	۴۷/۱	۴۴/۷	۳۶/۸	۲۹/۳	۳۵/۶
میانگین کل		۴۸/۸	۴۳/۸	۴۱/۱	۴۰/۳	۳۰/۱۸	۳۳/۴

۱- $t = 9/6$ $df = 813$ $sig = 0/000$

۲- $t = 8/8$ $df_1 = 813$ $sig = 0/000$

۳- $t = 11/7$ $df = 813$ $sig = 0/000$

۴- $t = 5/6$ $df = 813$ $sig = 0/02$

۵- $t = 6/5$ $df_1 = 813$ $sig = 0/004$

همان‌طور که جدول شماره ۵ نشان می‌دهد، نتایج آزمون t حاکی است:

- ۱- بین میانگین ارزش‌های اقتصادی^۱ پدران و مادران تفاوت معنادار وجود دارد. به این ترتیب که میزان ارزش‌های اقتصادی پدران به طور معناداری بیشتر از مادران بوده است.
- ۲- بین میانگین ارزش‌های مذهبی^۲ پدران و مادران تفاوت معناداری وجود دارد. به گونه‌ای که میزان ارزش‌های مذهبی مادران به طور معنی داری بیشتر از پدران بوده است.
- ۳- بین میانگین ارزش‌های اجتماعی^۳ پدران و مادران تفاوت معناداری وجود دارد. به طوری که میزان ارزش‌های اجتماعی مادران به طور معناداری بیشتر از پدران بوده است.
- ۴- بین میانگین ارزش‌های سیاسی^۴ پدران و مادران تفاوت معناداری وجود دارد. به این معنا که میزان ارزش‌های سیاسی پدران به طور معناداری بیشتر از مادران بوده است.
- ۵- بین میانگین ارزش‌های نظری^۵ پدران و مادران تفاوت معناداری وجود دارد. به نحوی که میزان ارزش‌های نظری پدران به طور معناداری بیشتر از مادران بوده است.
- ۶- بین میانگین ارزش‌های هنری^۶ پدران و مادران تفاوت معناداری وجود دارد. به این معنا که میزان ارزش‌های هنری مادران به‌طور معناداری بیشتر از پدران بوده است.

جدول ۶- مقایسه میانگین نمرات ارزش‌های پدران و پسران

نوع ارزش	پدران و پسران					
	اقتصادی	مذهبی	اجتماعی	سیاسی	نظری	هنری
پدران	۵۴/۶	۴۰/۶	۳۷/۶	۴۳/۹	۳۳/۴	۳۱/۳
پسران	۵۸/۹	۴۰/۵	۴۵/۸	۳۸/۷	۳۰/۲	۳۳/۴
میانگین کل	۵۶/۷۵	۴۰/۵۵	۴۱/۷	۴۱/۳	۳۱/۲	۳۲/۳۵

همان‌طور که جدول شماره ۶ نشان می‌دهد، نتایج آزمون t بیانگر آن است که:

- ۱- بین میانگین ارزش‌های اقتصادی^۷ پدران و پسران تفاوت معنی دار وجود دارد. به طوری که میزان ارزش‌های اقتصادی پسران به طور معناداری بیشتر از پدران بوده است.

sig = .۰/۰۰۰	df = ۷۸۸	t = ۱۲/۵ - ۱
sig = .۰/۰۰۰	df = ۷۸۸	t = ۱۳/۴ - ۲
sig = .۰/۰۰۰	df = ۷۸۸	t = ۶/۳ - ۳
sig = .۰/۰۰۰	df = ۷۸۸	t = ۱۰/۳ - ۴
sig = .۰/۰۰۰	df = ۷۸۸	t = ۵/۸ - ۵
sig = .۰/۰۰۰	df = ۷۸۸	t = ۹/۶ - ۶
sig = .۰/۰۰۰	df = ۷۵۵	t = ۹/۸ - ۷

- ۲- بین میانگین ارزش‌های مذهبی پدران و پسران تفاوت معناداری مشاهده نشد.
- ۳- بین میانگین ارزش‌های اجتماعی^۱ پدران و پسران تفاوت معنادار وجود دارد. به گونه‌ای که میزان ارزش‌های اجتماعی پسران به طور معناداری بیشتر از پدران بوده است.
- ۴- بین میانگین ارزش‌های سیاسی^۲ پدران و پسران تفاوت معنادار وجود دارد. به این معنا که میزان ارزش‌های سیاسی پدران به طور معناداری بیشتر از پسران بوده است.
- ۵- بین میانگین ارزش‌های نظری^۳ پدران و پسران تفاوت معنادار وجود دارد. به گونه‌ای که میزان ارزش‌های نظری پدران به طور معناداری بیشتر از پسران بوده است.
- ۶- بین میانگین ارزش‌های هنری^۴ پدران و پسران تفاوت معنادار وجود دارد. به طوری که میزان ارزش‌های هنری پسران به طور معناداری بیشتر از پدران بوده است.

جدول ۷- مقایسه میانگین نمرات ارزش‌های مادران با دختران

نوع ارزش	اقتصادی	مذهبی	اجتماعی	سیاسی	نظری	هنری
مادران و دختران	۴۲/۷	۴۷/۱	۴۴/۷	۳۶/۸	۲۹/۳	۳۵/۶
مادران	۵۱/۳	۴۶/۳	۳۶/۷	۳۳/۶	۳۱/۴	۴۰/۵
دختران	۴۷	۴۶/۷	۴۰/۷	۳۵/۲	۳۰/۳۵	۳۸

همان طور که جدول شماره ۷ نشان می‌دهد، نتایج آزمون t مشخص کرد:

- ۱- بین میانگین ارزش‌های اقتصادی^۵ مادران و دختران تفاوت معنادار وجود دارد. به طوری که میزان ارزش‌های اقتصادی دختران به طور معناداری بیشتر از مادران بوده است.
- ۲- بین میانگین ارزش‌های مذهبی^۶ مادران و دختران تفاوت معنادار وجود دارد. به این معنا که میزان ارزش‌های مذهبی مادران به طور معناداری بیشتر از دختران بوده است.
- ۳- بین میانگین ارزش‌های اجتماعی^۷ مادران و دختران تفاوت معناداری وجود دارد. به این معنا که میزان ارزش‌های اجتماعی مادران به طور معناداری بیشتر از دختران بوده است.

۱- $t = 6/3$	$df = 755$	$sig = 0/000$
۲- $t = 12/1$	$df = 755$	$sig = 0/000$
۳- $t = 8/6$	$df = 755$	$sig = 0/000$
۴- $t = 7/3$	$df = 755$	$sig = 0/000$
۵- $t = 12/3$	$df = 846$	$sig = 0/000$
۶- $t = 4/9$	$df = 846$	$sig = 0/000$
۷- $t = 9/3$	$df = 846$	$sig = 0/000$

۴- بین میانگین ارزش‌های سیاسی^۱ مادران و دختران تفاوت معنادار وجود دارد. به گونه‌ای که ارزش‌های سیاسی مادران بیشتر از دختران بوده است.

۵- بین میانگین ارزش‌های نظری مادران و دختران تفاوت معنادار مشاهده نشد.

۶- بین ارزش‌های هنری^۲ مادران و دختران تفاوت معنادار وجود دارد. به این معنا که ارزش‌های هنری دختران به طور معناداری بیشتر از مادران بوده است.

بحث

خانواده یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی در کسب ارزش‌ها از سوی فرزندان به شمار می‌آید. خانواده در سایه معیارهای فرهنگی موجود برای فرزندان مشخص می‌کند که چه چیزهایی مطلوب و شایسته و چه چیزهایی نامطلوب است. کودک در آغاز زندگی دارای وجدان یا معیاری برای ارزش نیست، از سویی اصول اخلاقی او در سایه رابطه با دیگران، به ویژه خانواده و دوستانش رشد می‌یابد. با این حال، وجود تعارض و تضاد شدید بین والدین و فرزندان، به ویژه در دوره نوجوانی، همانندسازی با والدین را دچار مشکل می‌کند (بیابانگرد، ۱۳۸۳). نتایج این مطالعه حاکی از آن است که اولویت‌های ارزشی پدران به صورت اقتصادی، سیاسی، مذهبی، اجتماعی، نظری و هنری؛ مادران به صورت مذهبی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، هنری و نظری؛ نوجوانان پسر به صورت اقتصادی، اجتماعی، مذهبی، سیاسی، هنری و نظری و نوجوانان دختر به صورت اقتصادی، مذهبی، هنری، اجتماعی، سیاسی و نظری بوده است.

نکته مهم و قابل توجه در این یافته‌ها این است که اولویت اول ارزش‌های پدران و نوجوانان پسر، اقتصادی بوده است. در حالی که اولویت اول ارزش‌های مادران، مذهبی و نوجوانان دختر اقتصادی بوده است. به سخن دیگر، اولویت اول ارزش‌های نوجوانان دختر و پسر هر دو مثل هم اقتصادی، اما برای پدران اقتصادی و مادران مذهبی بوده است.

یافته‌های پژوهش حاضر در مقایسه با نتایج پژوهش همایونفر (۱۳۷۳) که اولویت‌های نوجوانان پسر شهر سمنان را به ترتیب اجتماعی، مذهبی، سیاسی، نظری، هنری و اقتصادی و اولویت‌های ارزشی نوجوانان دختر آن شهر را به ترتیب مذهبی، هنری، نظری، اجتماعی،

$$sig = 0/000 \quad df = 846 \quad t = 3/7 - 1$$

$$sig = 0/000 \quad df = 846 \quad t = 4/3 - 2$$

سیاسی، و اقتصادی ذکر می‌کند، تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد که بارزترین آن ارزش اقتصادی است که در سال ۷۳ برای پسران و دختران نوجوان اولویت ششم را داشته، در حالی که این ارزش در پژوهش فعلی در هر دو جنس اولین اولویت را به خود اختصاص داده است. به نظر می‌رسد چنین تغییر فاحشی در اولویت‌بندی برخی ارزش‌ها در نظر نوجوانان با توجه به تحولات و تغییرات چشمگیر در ساختار و چشم‌اندازهای اقتصادی کشور و فرهنگ عموم مردم طی دهه گذشته دور از انتظار نباشد.

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر مؤید نتایج پژوهش‌های هاگ و پتریلور (۱۹۷۵) و مک‌کین (۱۹۷۶) است، مبنی بر اینکه بین اولویت‌بندی ارزش‌های مادران و دختران از یک سو و اولویت‌بندی ارزش‌های پدران و پسران از سوی دیگر تفاوت وجود دارد. از چنین یافته‌هایی می‌توان استنباط کرد که ناهمخوانی در اولویت‌بندی ارزش‌ها در والدین و نوجوانان به فرهنگ خاصی اختصاص ندارد و می‌توان آن را پدیده‌ای عام و همگانی قلمداد کرد.

نتایج مرتبط با سه ارزش مذهبی، اقتصادی و سیاسی با نتایجی که در پژوهش آلپورت و ورنون به نقل از گنجی (۱۳۷۰) و در پژوهش کانتریل آلپورت به نقل از گیلک (۱۳۷۱) به دست آمد مبنی بر اینکه علائق اقتصادی و سیاسی مردها بیش از زنان است و ارزش‌های مذهبی، زنان را بیش از مردان جلب می‌کند، مطابقت دارد.

گرچه کلیت یافته‌های موجود با نتایج پژوهش‌های قبلی مبنی بر اولویت داشتن ارزش‌های اجتماعی و هنری نزد زن‌ها و اولویت داشتن ارزش‌های نظری نزد مردها همخوانی دارد، در عین حال برتری پسران در توجه به ارزش‌های اجتماعی نسبت به دختران و نیز برتری دختران در توجه به ارزش‌های نظری در مقایسه با پسران در تضاد با نتایجی است که در خصوص مردها و زن‌ها به طور عام به دست آمده است که احتمالاً پژوهش‌های بعدی طبیعت این تفاوت را آشکار می‌سازند.

آنچه از نظریه‌های مختلف رشد برمی‌آید، این است که ناهمخوانی در ظرفیت‌ها و جلوه‌های شناختی، عاطفی، رفتاری و اخلاقی دوران کودکی، نوجوانی و بزرگسالی، اجتناب‌ناپذیر و از ویژگی‌های طبیعی جریان رشد است و از آن می‌توان به عنوان تقابل رشنی گروه‌های سنی مختلف یاد کرد. اما در تقابل دوره‌ها و مراحل رشد نمی‌توان تنها بر عوامل رشنی تأکید کرد و بر عوامل محیطی اجتماعی نظر نداشت. چنانکه اریکسون عقیده دارد آسیب‌پذیری نوجوان در

برابر فشارهای سریع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فناوری ممکن است عاملی باشد که به شکل‌گیری و تکامل احساس هویت صدمه بزند و احساس ناامنی، نبود اطمینان، اضطراب و بی‌ثباتی ایجاد کند. این تغییرات همچنین سبب تزلزل در ارزش‌ها و سنت‌های گذشته که در کودکی برای فرد مهم بوده است می‌شود، و این خود تعارض بین نسل‌ها را موجب می‌گردد؛ یعنی حقیقت یک نسل برای نسل دیگر افسانه می‌شود (دارمودی^۱، ۱۹۹۳؛ گربر^۲، ۱۹۷۶). انسان در هر مرحله از زندگی با مسائل رشدی متفاوتی روبه‌روست، برای مثال، در حالی که والدین ممکن است احساس کنند که زمان رو به پایان است، نوجوانان احساس می‌کنند که تمام زمان پیش روی آنها قرار دارد، و برای تجربه هر چیزی فرصت کافی دارند. به علاوه ما باید به خاطر داشته باشیم که والدین و نوجوانان اعضای دسته‌ها و نسل‌های متفاوت هستند و هر یک تجارب اجتماعی شدن خاص خود را دارند. برای مثال، نوجوان امروز تمایل دارد درباره نقش‌هایی که زن باید در اجتماع ایفا کند، نگرشی لیبرالی داشته باشد، در حالی که والدین او ممکن است به این موضوع بی‌اعتقاد باشند (کافیلد^۳، ۱۹۸۴).

وجود رابطه مثبت و معنادار بین ارزش‌های اقتصادی و سیاسی، ارزش‌های اقتصادی و اجتماعی، ارزش‌های اقتصادی و هنری، و ارزش‌های اقتصادی و نظری، حاکی از نقش و اهمیت تعیین‌کننده مسائل اقتصادی در اهمیت قائل شدن افراد برای ارزش‌های سیاسی، اجتماعی، هنری و نظری است.

بالا بودن ارزش‌های سیاسی در پدران نسبت به مادران و نوجوانان پسر نسبت به دختران حاکی از آن است که با وجود اصلاحاتی که در چند سال اخیر در جامعه برای افزایش مشارکت فعال زنان در مسائل سیاسی صورت گرفته است (و نیز با توجه به افزایش و رشد قابل توجه پذیرش دختران در دانشگاه‌ها) هنوز در جامعه ما مسائل سیاسی رنگ و بوی مردانه دارد، که ضروری است با توجه به اینکه ۵۰ درصد افراد جامعه را زنان تشکیل می‌دهند، تدابیر لازم اندیشیده شود.

چنانکه روش‌شناسی این پژوهش نشان می‌دهد، این مطالعه نوعی بررسی توصیفی است و طبیعتاً تنها می‌تواند به توصیف وضع موجود بپردازد. نتیجه‌گیری‌های علی و شناخت علل و

1. Darmody

2. Gerber

3. coffield

عوامل مؤثر بر اولویت‌های ارزشی افراد، که از اهمیت بیشتری نیز برخوردارند، از محدودیت‌های این پژوهش به شمار می‌رود و نیاز به مطالعات دیگری دارد. با این همه بحث بیشتر درباره یافته‌های این پژوهش را در قالب پیشنهادهای زیر ادامه می‌دهیم.

پیشنهاها

۱- در این پژوهش بین نوع ارزش‌های پدران و مادران با پسران و دختران رابطه مثبت وجود داشته است. برای مثال، در مادران ارزش‌های مذهبی اولویت اول و در دختران آنها اولویت دوم، در پدران و پسران آنها ارزش‌های مذهبی اولویت سوم، در پدران ارزش‌های اقتصادی اولویت اول و در پسران آنها نیز همان اولویت را داشته است. این ارتباط و رابطه، لاقلاً از دو جنبه بسیار مهم است؛ یکی اینکه گاه گفته می‌شود که بین والدین و نوجوانان به دلیل شکاف نسلی اختلاف ارزشی شدید وجود دارد، در حالی که نتایج این پژوهش آن را تأیید نمی‌کند. دوم اینکه نشان دهنده اهمیت اثرات ارزش‌های والدین بر ارزش‌ها و نگرش‌های نوجوانان و همانندسازی آنها با والدین و درونی ساختن ارزش‌های آنان است.

۲- سلسله مراتب اولویت‌های ارزشی نوجوانان پسر به صورت اقتصادی، اجتماعی، مذهبی، سیاسی، هنری و نظری بوده است. بالا بودن ارزش‌های اقتصادی در پسران تا حدود زیادی بیانگر توجه آنان به مسائل اقتصادی جامعه و نشانگر نیازهای مالی و اقتصادی آنهاست. از سوی دیگر، در تحلیل این موضوع مطابق با مدل مبتنی بر آثار نسلی و دوره‌ای در نظریه اینگلهارت، می‌توان گفت چون نوجوانان شرایط اقتصادی - اجتماعی گذشته و حال را در دوره پس از جنگ و تورم، توأم با ناراحتی تجربه کرده‌اند، ارزش‌های اقتصادی برای آنان در اولویت قرار گرفته است.

۳- اولویت آخر قرار گرفتن ارزش‌های نظری برای پسران و دختران احتمالاً حاکی از آن است که نوجوانان انگیزه کافی برای تحصیل و درس خواندن ندارند و مباحث نظری و عملی متناسب با سن دانش‌آموزان و زمینه‌های انگیزشی و رغبتی آنان ارائه نمی‌شود. این مسئله در مورد پسران بیشتر صادق بوده است. پژوهش‌های بیشتر با هدف آسیب‌شناسی مسئله می‌تواند به تبیین دقیق‌تر عوامل مؤثر کمک کند و زمینه را برای تکریم از عالمان و دانشمندان به منظور افزایش سطح و منزلت علم و دانش نزد آحاد جامعه فراهم آورد.

۴- با توجه به آنکه اولویت ارزشی آخر نوجوانان پسر و دختر، و پدران و مادران، ارزش‌های نظری بوده و با عنایت به اینکه ارزش‌های نظری با پیشرفت‌های علمی و تحصیلی همراه است، ضرورت دارد با توجه به پیشینه تاریخی و فرهنگی کشورمان نوعی خیزش و نهضت ملی و عمومی در زمینه تکریم و تعظیم و اهمیت دادن به علم و دانش و ارزش‌های نظری در سطح جامعه صورت گیرد.

۵- با توجه به آنکه ارزش‌های مذهبی در نوجوانان پسر اولویت سوم، در دختران اولویت دوم و در پدران اولویت سوم را داشته است و با عنایت به اینکه این نوجوانان دختر و پسر در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به دنیا آمده و از آموزش‌های کنترل شده برخوردار بوده‌اند، ضرورت دارد که در روش‌های آموزشی و تربیتی که از طریق برنامه‌های صدا و سیما، نظام آموزش و پرورش و معلمان یا والدین به کار گرفته شده است، بازنگری و تجدیدنظر اساسی صورت گیرد. آسیب‌شناسی این روش‌ها که بیشتر مستقیم، ناکارآمد، همراه با حالتی آمرانه و از بالا به پایین بوده است، ضرورت دارد.

۶- با توجه به آنکه ارزش‌های هنری برای نوجوانان دختر اولویت سوم را داشته است (که بیانگر علایق زیبایی‌شناختی آنهاست) بنابراین لزوم توجه به ارزش‌های هنری و زیبایی‌شناختی نوجوانان و زمینه‌سازی برای شکوفایی استعدادها بالقوه آنها در این عرصه از سوی برنامه‌ریزان فرهنگی - تربیتی، بسیار مهم است.

۷- وجود رابطه منفی بین ارزش‌های اقتصادی و مذهبی پاسخگویان، حاکی از آن است که در جامعه ما همواره ارزش‌های مذهبی و آدم‌های مذهبی با وضعیت اقتصادی پایین تداعی و به تصویر کشیده شده‌اند. می‌توان با آموزش‌های رسانه‌ای و روش‌های غیرمستقیم این تصویر کلیشه‌ای را در سطح عامه مردم برطرف کرد و نشان داد که اسلام مخالفتی با دستیابی به ثروت از طریق فعالیت‌های اقتصادی سالم و درست ندارد.

منابع

فارسی

- احمدی، احمد. (۱۳۷۱). بررسی ارزش‌ها در بین دو گروه دانش‌آموزان پسر عادی و تیزهوش. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- افشنگ، جمشید. (۱۳۵۶). فرایند اجتماعی شدن خانواده. نشریه دانشکده علوم تربیتی، دوره هفتم، شماره اول، پاییز - زمستان.
- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۸۳). روان‌شناسی نوجوانان. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جواهری، فاطمه. (۱۳۷۲). تغییر ارزش و دیدنو. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.
- خدایاری فرد، علی. (۱۳۶۰). بررسی ارزش‌ها در مناطق چهارگانه شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی.
- شمسیان، داوود. (۱۳۷۳). بررسی سلسله مراتب ارزش‌های نوجوانان پسر و دختر شهر تهران. مجموعه مقالات سومین سمپوزیوم جایگاه تربیت نوجوان و جوان در آموزش و پرورش. تهران: معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش (چاپ اول).
- گیلک، عبدالامیر. (۱۳۷۳). بررسی سلسله مراتب ارزش‌های نوجوانان پسر و والدین آن‌ها. مجموعه مقالات سومین سمپوزیوم جایگاه تربیت نوجوان و جوان در آموزش و پرورش. تهران: معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش، چاپ اول.
- گنجی، حمزه. (۱۳۷۱). روان‌شناسی تفاوت‌های فردی. تهران: انتشارات بعثت.
- نیک خلیق، عبدالحسین و وثوقی، منصور. (۱۳۷۸). مبانی جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات خردمند.
- همایونفرد، فاطمه. (۱۳۷۳). مقایسه نظام ارزش‌های دختران و پسران شهرستان سمنان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده مدیریت و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش.

انگلیسی

- Coffield, K.E. & Buchalew, L.W. (1984). The study of values toward revised Norms and changing values. *Counseling and values*, Jun vol 28 (2) 12 - 75.
- Cooper, Catherine R. & Others. (1993). Values and communication of Chinese, Filipino, European, Mexican, and vietnamese American adolescents with thier familieis and friends. *New direction for child Development*, N. 2p 13 - 89 win.
- Darmody, Johnp. (1991). The Adolescent Personality, Formal Reasoning and Values. *Journal adolescence*, V2, n 103 P J 31 - 42 Fall.
- Feader, N. (2002). Masculinity, Femininty, Psychological Androgyny and Structure of Values. *Journal of personality and social psychology*, Vol, 47 PP 604 - 620.
- Gerber, Gwendolyn, L. (1976). Conflicts in values and attiudes between parents of symptomatic and normal children. *Journal Psychological Reports*, Feb Vol 38 (1) 91-98.
- Kohn, M. (2002). *Work and personality*. Norwood, NJ: Ablex.

- Luster, Tom and Others. (1989). The Relation between parental values and parenting Behavior: A test of the Kohn Hypothesis. *Journal of Marriage and the family*, V51 n1 p 139-47 feb.
- Lea, Martin & Duck, Steve. (1982). A model for the role of similarity of values in Friendship development. *British Journal of social psychology*, Nov Vol 21 (4) 301-310.
- Mannheim, Bilha. (1988). Social Background, schooling and parental job attitudes as related to adolescents work values. *Youth and society*, V19 n3 p2-69-93 Mar.
- Madell, Thomas O. (1982). The relationship between values and attitudes toward three they apy methods. *Journal counseling and values*, vol 27 (1) 52-61.
- Manhiem, Bilna Segre & Tally. (1993). Mothers occupational characteristics, family position, and sex role orientation as related to adolescents work values. *Youth and society*, V24 n3 p2 76-98 Mar.
- Markus, H. (2003). A collective fear of the collective: implication for selves and theories of selves. *Personality and social psychology Bulletin*, Vol, 20, PP 568-579.
- Mohan, Jitendra & Sheoran, Rams. (1986). Altruistic behavior of adolescents in relation to personality and values. *Perspective in psychological Research*, Apr, vol 9 (1), 35-37.
- Musgrav, Petter W. (1984). The moral values of some Australian adolescents. A report and discussion. *Australian, New zealand Journal of sociology*, Jul vol 20 (2) 197-217.
- Parap, Swarn, & Srivastava, Surya, K. (1982). Values-pattern of technical and non-technical employees. *Perspective in psychological Researches*, Apr vol 5-(1) 42-43.
- Schulenberg, John and Others. (1993). Career certainty and short-term changes in work values during adolescence. *Career Development Quarterly*, V 41 n3 p2, 8-84 Mar.
- Sutherland, peter. (1988). A longitudinal study of religious moral values in late adolescence. *British Educational Research Journal*, V 14 n1 P13-87.
- Singh, Sewa Broota, K. D. Singh, Janak G. (1983). Values-Pattern and drug-use behaviour. *Personality study and Group Behaviour*, Jul vol 3(2) 81-85.
- Shwartz, S. & Anat B. (2004). Value Hierarchies Across Cultures. *Journal of Cross Cultural Psychology*, Vol, 44, PP 47-54.
- Sigelman, Carlk & Shaffer, David. (1991). *Life - Span Human Development*. California: Cole Publishing Company Pacific Grove.
- Sills, D. (1992): *International Encyclopedia of social Siences*, Vol 15-17, NO 9-10. Macmillan & Free Press.
- Vodanovich, Stephenj & Kramer, Thomasj. (1989). An examination of the work values of parents and their children. *Career Development Quarterly*, vol 37 n4 p 365-14 Jun.